325 (а)
79

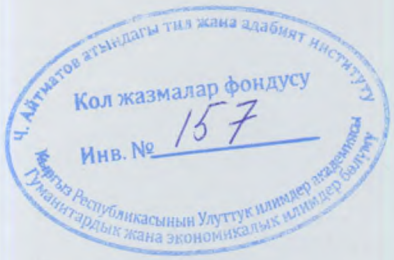
Ч. Айтматов атындагы тил жана адабият институту
Кол жазмалар фондусу
Инв. № 157
Кыргыз Республикасынын Улуттук илимдер академиясы
Гуманитардык жана экономикалык илимдер бөлүмү

32.5 = 79.
A

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام

حمد ثابت مر الله تعالی را که پروردگار عالمیان است و نیکوی آخرت مر پرهیزکاران راست و دعا و درود نازل باد

علی رسوله محمد وآله اجمعین اعلم ان العبد مبتلی بین

بر رسول او که نام او محمد ند و بر جمیع آل او بدان که البته بنده آزموده شده است در میان

ان یطیع الله تعالی فیثاب وبین ان یعصیه فیعاقب

اینکه اطاعت کند خدا را پس ثواب داده شود و میان اینکه عصیان کند خدا را پس عقاب کرده شود

والابتلاء یتعلق بالمشروع وغیر المشروع فعلا وترکا

یعنی آزمودن تعلق دارد با مر جایز و با مر ناجایز از روی کردن و از روی ناکردن

فلا بد من بیان انواع المشروعات وغیر المشروعات

پس ناچار است از بیان کردن مشروعات و غیر مشروعات

وبیان معانیها واحکامها لیسهل علی الطالب درکها و

و بیان معانی مشروعات و غیر مشروعات و احکام این دو تا که آسان شود بر طالب دریافتن آن

وضبطها فنقول وبالله التوفيق الشروع اربعة

و یاد کردن آن پس بگوییم ما و سال آنکه بالله تعالی است توفیق دادن شروعات چهار

انواع فرض و واجب و سنة و مستحب و یلیها

نوعست فرض و واجب و سنت و مستحب است و یلی میگوید شروع را

المباح وغیر المشروع نوعان محرم ومکروه و

مباح و غیر مشروع دو نوعست حرام و مکروه است

تیلوهما المفسد للعمل المشروع فیه فالکل ثمانیة

و تابع میشود باین دو مفسد مر عمل مشروع فیه پس همه مشروع و غیر مشروع هشت

انواع اما الفرض فما ثبت بدلیل قطعی لا شبهة

نوعست اما فرض پس آن چیزیست که ثابت شده است بدلیل قطعی که نیست شبهه

فیه وحکمه الثواب بالفعل والعقاب بالترک

در آن دلیل و حکم فرض ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

بلا عذر والکفر بالانکار فی المتفق علیه والواجب

با عذر و کفر است بسبب انکار کردن در فرض متفق علیه و واجب

ما ثبت بدلیل ظنی فیه شبهة وحکمه حکم

آن است که ثابت شده است بدلیل ظنی که در آن شبهه است و حکم واجب حکم

الفرض عملاً لا اعتقاداً حتی لا یکفر جاحده والسنة

فرض است از روی عمل نه از روی اعتقاد تا آنکه کافر نمیشود منکر کننده واجب و سنت

ما واظب النبی علیه السلام مع ترکه مرة او

آن است که مداومت نمود نبی علیه السلام با ترک آن چیز یکبار یا

مرتین وحکمه الثواب بالفعل والعقاب بالترک

دو بار و حکم سنت ثواب است بسبب کردن و عذاب است بسبب ترک کردن

فی الهدی والمستحب ما فعله النبی علیه السلام مرة

در سنت موکده و مستحب آن چیزیست که او را نبی علیه السلام یکبار

وترکه اخری وما احبه السلف وحکمه الثواب بالفعل

و ترک کرد او را بار دیگر و آنچه دوست داشته است او را سلف و حکم او ثواب است بسبب کردن

وعدم العقاب بالترک والمباح ما خیر العبد

و عدم عقاب است بسبب ترک کردن و مباح آنچیزیست که مخیر گذاشته شده است بنده

بین الاتیان والترک وحکمه عدم الثواب والعقاب

میانه آوردن و میانه ترک کردن و حکم مباح عدم ثواب است و عدم عقاب است

فعلاً وترکاً والمحرم ما ثبت النهی فیه بلا معارض

از روی کردن و ترک کردن و محرم آنچیزیست که ثابت شده است نهی در وی بی معارض

وحکمه الثواب بالترک لله عز وجل والعقاب

و حکم حرام ثواب است بسبب ترک کردن برای خدای غالب و عقاب است

بالفعل والکفر بالاستحلال فی المتفق علیه

بسبب کردن و کفر است بسبب حلال شمردن در حرام متفق علیه

والمکروه ما ثبت النهی فیه مع المعارض وحکمه

و مکروه آن چیزیست که ثابت شده است نهی در او با معارض و حکم مکروه

الثواب بالترک الموصوف وخوف العقاب

ثواب است بر ترک کردن که صفت کرده شده است و خوف عذاب است

بالفعل وعدم الکفر بالاستحلال والمفسد هو الناقض

بکردن و عدم کفر است بحلال شمردن و مفسد عملی است که شکننده است

للعمل المشروع فیه وحکمه العقاب بالفعل عمداً او

برای عملیکه مشروع کرده شده در آن و حکم مفسد عذاب است بسبب کردن از روی قصد

وعدمه سهواً ثم اعلم بانّ الصلوة جامعةٌ للاربعة

وعدم عذاب است از روی سهو بعد از ان بدان بدرستیکه نماز گرد کننده است مر چهار

الاول شرعاً وقد توجد الاربعة الاخر فيها طبعاً فلا بدّ

اول را از روی شرع وگاها یافته میشود چهار اخیر را در نماز از روی طبع پس ناچار است

من تفصيل كلّ نوع وتعدادها بطريق الاختصار

از جدا کردن هر نوع واز شمردن آنها براه قصر کردن

والانحصار مرتّباً على ثمانية ابواب تيسيراً للمؤمنين

و بند کردن در حالیکه مرتب بر هشت باب از جهت آسان شدن برای مؤمنان

الباب الاوّل في الفرايض وهي خمسةٌ وعشر

باب اول در بیان فرایض نماز است وآن فرضها پانزده است

بعضها خارجيّة وبعضها داخليّة امّا الخارجيّة

بعض آن فرض خارجی است وبعض وی داخلی است اما فرض خارجی

فثمانية الوقت وطهارة البدن والثوب و

پس هشت است یکی آن فرض وقت است وپاکی بدن است وپاکی جامه

المكان وستر العورة واستقبال القبلة

وپاکی مکان وپوشیدن عورت واستقبال قبله

والنيّة والتكبيرة الاولى والداخلية

ونیت وتکبیر تحریمه وفرض داخلی

سبعة القيام والقراءة والركوع والسجود

هفت است یکی آن فرض داخلی قیام ویکی آن قراءت ویکی آن رکوع ویکی آن سجود

والقعدة الاخيرة والترتيب فيما اتحدت شرعيته

ویکی آن قعدهٔ اخیر ویکی آن ترتیب در ان که متحد است شرعیت او

فی کل رکعۃ اولی جمیع الصلوۃ والخروج بفعل المصلی

در ہر رکعت باو در تمام نماز وبیرون آمدن بفعل مصلی

الباب الثانی فی الواجبات وہی احد وعشرون

باب دوم در بیان واجبات نماز ست وآن واجبات بسبب دیگر ست

منہا ما یعم جمیع المصلین والصلوۃ وہی

وبعض آن واجب تمام میشود تمام نماز گذارندہ را وتمام نماندرا وآن واجبات عام

سبعۃ ومنہا ما یخص بعض المصلین والصلوۃ

ہفت ست وبعض واجبات خاص میشود ببعض نماز گذاررا وببعض نماز را

وہی اربعۃ عشر اما العام فلفظ التکبیر للتحریمۃ

واین واجبات چہاردہ ست اما واجبات عام پس لفظ تکبیر ست برای تحریمہ

والقعدۃ الاولی والتشہد فی القعدتین والطمانینۃ

وقعدۂ اولی وتشہد خواندن در دو قعدہ وآرام گرفتن

فی الرکوع والسجود واتیان کل فرض فی موضعہ

در رکوع ودر سجود واوردن ہر فرض بجای خود

وکل واجب کذلک والخروج بلفظ السلام

واوردن ہر واجب مثل فرض وبیرون آمدن از نماز بلفظ سلام

واما الخاص فتعیین الاولیین للقراءۃ وتعیین

واما واجبات خاص پس تعیین کردن در دو رکعت اول برای قرارت وتعیین کردن

الفاتحۃ لہما واقتصارہا علی مرۃ وضم سورۃ او

سورہ فاتحہ برای دو رکعت اول ویکبار خواندن فاتحہ ست وضم کردن سورہ یا سہ

ثلث آیات قصیرۃ او آیۃ طویلۃ معہا وتقدیم الفاتحۃ

آیت کوتاہ یکبار آیت دراز با فاتحہ وتقدیم کردن سورۂ

الفاتحة عليها وهذه على من عليه القراءة والقنوت

فاتحه بر سوره واین واجبات بران کس است که واجب است برا و قراءت و دعا قنوت

فی الوتر والجهر فی موضعه جماعة والمخافتة

خواندن در وتر و بلند خواندن بجای بلند در جماعت و پست خواندن در جای

کذلک وانصات المقتدی وقت قراءة

پست در جماعت و خاموش بودن مقتدی در وقت قراءت

الامام ومتابعة الامام علی ای حال وجده و

امام و تابع بودن مقتدی امام را بر هر حالی که یابد امام را

ان لم یکن محسوبا من صلاته وسجدة التلاوة

واگرچه نباشد محسوب از نماز او و سجده تلاوت کردن

علی الامام والمنفرد وتکبیرات العیدین وتکبیر

بر امام را و بر منفرد را و تکبیرات دو عید و تکبیر

رکوعهما وسجدة السهو علی الامام والمنفرد بترک

رکوع آن دو عید و سجده سهو بر امام و بر منفرد بسبب ترک

الواجب فی الثمانیة الاول من القسم الاخیر

واجب در هشت واجبات اول از قسم اخیر

وفی جمیع الصور من القسم الاول الا الطمانینة

و در جمیع صورت از قسم اول مگر در طمانینه

فانها واجبة للغیر الباب الثالث فی

پس طمانینه واجب است با کمال غیر باب سوم در بیان

السنن وهی سبعة وعشرون العام سبعة عشر

سنت ها و آن سنتها بست و هفت است سنت عام هفده اند

وهی رفع الیدین فی التحریمة وفی القنوت وفی

وآن برداشتن هر دو دست در تکبیر تحریمه و در دعای قنوت و در

تکبیرات العیدین ونشر الاصابع ثمة والثناء

تکبیرهای دو عید و پراکنده کردن انگشتان در برداشتن و ثنا خواندن

ووضع الیمین علی الشمال وتکبیرات الانتقالات

ونهادن دست راست بر بالای دست چپ و تکبیرهای انتقالات

حتی القنوت وتسبیح الرکوع ثلاثاً واخذ الرکبتین

تا تکبیر قنوت و تسبیح گفتن در رکوع سه بار و گرفتن دو زانو

فی الرکوع وتفریج الاصابع فیه والقومة و

در رکوع و کشاده داشتن انگشتان و در رکوع و راست ایستادن بعد از رکوع

الجلسة والسجدة علی سبعة اعضاء وتسبیح السجود

و نشستن میان دو سجده و سجده کردن بر هفت عضو و تسبیح گفتن در سجود

ثلاثاً والصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم بعد

سه بار و درود خواندن بر نبی صلی الله علیه وآله وسلم بتعیاز

التشهد والدعاء لنفسه ولجمیع المسلمین والسلام

تشهد و دعا خواندن لنا بعد از درود برای خود و برای جمیع مسلمین و سلام دادن

یمنة ویسرة والخاص عشرة جهر الامام بالتکبیر

بجانب راست و چپ و سنت خاص ده است جهر کردن امام تکبیر را

ومقارنة المقتدی تکبیرة تکبیر الامام ومتابعته له فی

و نزدیک کردن مقتدی تکبیر خود را تکبیر امام و متابعت مقتدی امام را در

افعاله والتعوذ واخفائه والتسمیة بعده واخفاؤها وهذه الاربعة

افعالش و اعوذ گفتن و اخفای تعوذ و تسمیه بعد از تعوذ و اخفای تسمیه این چهار سنت

للامام والمنفرد والتأمين سرًا لهما وللمقتدي في

برای امام و تنها گذارد و آمین گفتن آهسته مر امام و منفرد را و برای مقتدی در نماز

الجهرية والتسميع للامام وللمقتدي التحميد وللمنفرد

جهریه و سمع الله لمن حمده گفتن مر امام را و مر مقتدی را ربنا لک الحمد گفتن و مر منفرد را

الجمع وافتراشُ رجلهِ اليسرى للجلوس عليها

جمع کردن هیأت هر دو دست بر دو زانو پای چپ خود را برای نشستن سر بران پای

مع نصب اليمنى في القعدة للرجال وللنسا التورك

با ایستاده کردن پای است در قعده مر مردان را و مر زنان را بر دو نشستن

الباب الرابع في المستحبات وهي ثلثة وعشرون

باب چهارم در بیان مستحبات نماز است و آن مستحب بابست و سه است

العام اربعة عشر ترك الالتفات يمينًا وشمالًا

مستحب عام چهارده است ترک نگاه است بطرف راست و چپ

كما قيل وتغطية الفم عند غلبة التثاؤب ودفع

چنانچه گفته شده است و بوشیدن دهن است نزد غلبه خمیازه و دفع

السعال ما استطاع وزيادة القراءة على ثلاث

سرفه است آن قدر که قادر شود و زیاده کردن قرأت بر سه

آيات وترتيل القراءة وتسوية الرأس مع الظهر

آیات و ترتیل قرأت و برابر کردن سر است با پشت

في الركوع ووضع ركبتيه قبل يديه على الارض

در رکوع و نهادن دو زانو است پیش از دو دست بر زمین

ويديه قبل الانف والانف قبل الجبهة للسجود

و دو دست پیش از بینی و بینی پیش از پیشانی برای سجده

فی غیر الوتر والزیادة فی التکبیر والثناء والتسبیحات

در غیر وتر و زیاده کردن در تکبیر و در ثنا و در تسبیحات

والتشهد علی السنة وترک الواجب مما سبق

و در تشهد بر قدریکه سنت است و ترک واجبی که از واجبات گذشته

عمداً وفی المحیط ذکرت المحرمات فی المکروهات الباب

از روی قصد و در کتاب محیط ذکر کرده شده است محرمات در فصل مکروهات باب

السادس فی المکروهات وهی تسعة وخمسون العام اثنان

ششم در بیان مکروهات نماز است و آن مکروهات پنجاه و نه اند مکروهات عام

واربعون تکرار التکبیرة والعد بالید للآی

چهل و دو اند یکی آن تکرار تکبیر است و شمردن بدست مر آیت ها را

ونحوها والتخصر وما هو من اخلاق الجبابرة والتنحنح بلا عذر

و مانند آن و دست بر تیکاه ماندن و هر فعلیکه از فعلهای متکبران است و سرفیدن بی عذر

ولو بغیر حروف والتنخم والتنفخ غیر المسموع وامساک

و اگرچه باشد بی حروف و بینی افشردن و دمیدن که شنیده نشود و نگهداشتن

الدراهم فی الفم ونحوها بحیث لا یمنع القراءة واعلاء

دراهم در دهن و مانند آن بوجهیکه منع نکند قراءت را و بلند کردن

الرأس من الظهر فی الرکوع وابتلاع ما بین الاسنان

سر را از پشت در رکوع و فرو بردن چیزیکه در میان دندان است

لو کان قلیلاً من الحمصة وترک سنة من السنن و

اگرچه باشد کمتر از نخود و ترک سنت است از سنتها

اتمام القراءة فی الرکوع وتحصیل الاذکار فی الانتقالات

و تمام کردن قراءت را در رکوع و حاصل کردن ذکرها در انتقالات

ووضع يديه قبل ركبتيه على الارض للسجود بلا عذر ورفعهما

ونهادن دو دست پیش از دو زانو بر زمین برای سجده بی عذر و برداشتن دو دست

بعد ركبتيه للقيام كذلك والاقعاء وتغطية الفم بلا غلبة

بعد از دو زانو برای قیام همچنین است و نشستن مانند سگ و پوشیدن دهن بی غلبه

التثاؤب وغمض العينين وقلب الحصى الا ان لا يمكنه السجود

خمیازه و فرو خوابانیدن دو چشم و گردانیدن سنگریزه برای سجده مگر اینکه ممکن نباشد او را سجود

فاتى به مرة او مرتين ومسح جبهته عن التراب او العرق قبل

پس بیاید به ستوه یکبار یا دو بار و پاک کردن پیشانی از خاک یا از خوی پیش از

الفراغ وكف الثوب والتثاؤب والتمطي وفرقعة الاصابع

فراغ سلام و نگهداشتن جامه از خاک و خمیازه کردن و بازیدن و بانگ برآوردن اصابع را

والاستراحة من رجل الى رجل وتفريج الاصابع في غير الركوع

و راحت طلبیدن از پای بپای دیگر و گشاده کردن انگشتان در غیر رکوع

والتعجيل في القراءة وترك تسوية الرأس مع الظهر راكعا والتخطي

و شتاب کردن در قرائت و برابر نکردن سر را با پشت در حالیکه رکوع کننده و قدم زدن

ثلاثا فصله عدا بلا عذر لو وقف بعد كل خطوة والتمايل يمينا وشمالا

سه بار پس زیاده بی عذر اگرچه ایستد بعد از هر قدم و مایل شدن راست و چپ

وقتل القملة دون الثلاث ودفنها كذلك والقاء البزاق

و کشتن شپش کمتر از سه و دفن شپش اینچنین است و افکندن آب دهن

ونزع القميص والقلنسوة والخف بعمل قليل وشم الطيب

و کشیدن کرته و کلاه و موزه باندک عمل و بوئیدن خوشبوی

والتروح بالثوب ونحوه دون الثلث وتعيين السورة

و باد کردن به جامه و مانند جامه کمتر از سه و تعیین سوره

لصلوة معينة بحيث لا يقرء غيرها او الجمع بين السورتين

برای نماز مخصوص بوجیکه نخواند سوای ان سوره را و جمع کردن میان دو سوره

بترک واحدة بينهما في ركعة واحدة والانتقال من آية

بترک واحد میان انه دو سوره در یک رکعت واحده و انتقال کردن از آیت

الى آية اخرى لو كان بينهما سورة وتقديم السورة المتاخرة

بسوی آیت دیگر اگرچه باشد میان آن دو آیت سوره و تقدم کردن بسوره متاخره

على المتقدمة ولو في الركعتين والتسمية في كل سورة في

بر سوره متقدمه واگرچه باشد در دو رکعت و بسم الله گفتن در اول هر سوره در

كل ركعة وحمل الصبي بلا عذر والخاص سبعة عشر انطاقا

هر رکعت و برداشتن کودک را بی عذر و مکروه خاص هفده سبب انتظار شدن

الامام لمن يسمع خفق نعليه للصلوة وتطويل الركعة الثانية

امام مر کسیرا که میشنود آواز نعلین او را که میاید برای نماز و دراز کردن رکعت ثانی را

على الاولى في الفرائض والتوقف في آية الرحمة او العذاب

بر رکعت اول در نماز فرضها و ایستادن در آیت رحمت یا در آیت عذاب

للامام والمقتدي مطلقا وللمنفرد في الفرائض والسجدة

مر امام و مقتدی را خواه در فرض و نفل و مر منفرد را در نماز فرض و در سجده کردن

على كور العمامة والصاق البطن بالفخذ للرجال وكذلك

بر پیچ دستار و چسپانیدن شکم را بران مردان را و همچنین است

بسط العضدين ونزعهم النعلين او القميص او القلنسوة

کشاده کردن مردان دو بازو را و کشیدن مردان نعلین یا پیراهن را یا کلاه را

او لبسهم بعمل قليل وتطويل الامام الصلوة بحيث يثقل

یا پوشیدن ایشان بعمل اندک و دراز کردن امام نماز را بوجیکه گران کند

علی القوم وتحقیقه لهما العجلتهم والجاء الامام القوم للفتح اذا

بو جیکہ گران کند بر قوم و سبک کند امام نماز را برای شما و قوم دہاہ آمدہ ہست امام قوم را برای کشادن وقتی خند

قرء یا یجوز به الصلوة وجهر القراءة فی نوافل النهار وقراءة

آن مقدار را کہ جایز باشد با و نماز و جہر کردن قرأت در نفلہای روز و خواندن

الامام آیة السجدة فیما یخافت الا فی آخر السورة وتکرار

امام آیت سجدہ را در نماز یکہ بخفی خواندہ میشود مگر در آخر سورہ دو بار خواندن

الآیة سروا او خرتا فی الفرائض بلا عذر لا فی النوافل و

آیت را از روی شادی بپا خیزی در نمازہای فرض بے عذر نہ در نفلہا

السنن مطلقا وتکرار السورة فی رکعة من الفرائض والصلوة

و سنتہا مطلقا و تکرار کردن سورہ در یک رکعت از نمازہای فرض و نماز گذاردن

رافعا کمیه الی امرفقین للرجال وقول المقتدی عند آیة الترهیب

در حالیکہ بر دارندہ دو آستین تا دو بازو مردان را گفتن مقتدی نزد آیت ترہیب

والترهیب صدق الله وبلغت رسله والاعتماد بحائط

و آیت ترہیب راست گفت اللہ تعالی و رسانیدند راست پیغمبران او و تکیہ کردن بہ دیوار

او اسطوانة بلا عذر فی غیر النوافل الباب السابع فی

یا ستون بے عذر در غیر نماز نفلہا باب ہفتم در بیان

المباح وهی احد عشر العام ثمانیة نظره بموق عینیه بلا تحویل

مباحات ہست و مباح یازدہ ہست، مبیل عام ہشت ہست نگریستن بمصلے بگوشہ دو چشم بے گردانیدن

الوجه وتسویته موضع السجدة مرة او مرتین وقبل التحیة المطلقة مطلقا

روی خود و برابر کردن موضع سجدہ را یکبار یا دو بار و گشتن بمصلے بار خواہ بسجدہ خواہ بیکی مطلقا

وان احتاج الی المعالجة وفی فمه دراهم او دنانیر لا تمنعه عن سنة

اگر محتاج شود بسوی معالجہ در دہن درم یا دینار ہا کہ منع نکند از سنت

القراءة وفي يده ما لا يمنع عن سنة الاعتماد وقراءة القرآن

قراءت و در دست او چیزیست که منع نمیکند از سنت اعتماد و قراءت قرآن کردن

على التأليف ونقض الثوب كيلا يلتصق بجسده في الركوع

بر ترکیب و افشاندن جامه تا که نچسپد آن جامه بتن او در رکوع

وقراءة آخر السورة في ركعة وآخر اخرى في اخرى على الصحيح

و خواندن آخر سوره در یک رکعت و آخر سوره دیگر را در یک رکعت دیگر بر قول صحیح

والخاص ثلثة تكرار السورة في ركعة في التطوع ومعتمدا حائطا

و مباح خاص سه است تکرار سوره در یک رکعت در نفل و اینکه باشد تکیه کننده بو

او اسطوانة في التطوع ولو بلا عذر ولحظ الامام الى من

یا ستون را در نماز نفل و اگرچه بی عذر و نگریستن امام بسوی کسی که

خلفه شاكا ليقوم ان قام هو ونحوه الباب الثامن

در پس او است در حالیکه شک کننده تا آنکه خیزد امام اگر خیزد و آنکس مانند او باب هشتم در بیان

في المفسدات وهي في التحقيق خمسة على العموم التكلم بكلام

تباه کننده نماز است و آن در حقیقت پنج است بنا بر عموم سخن گفتن

الناس مطلقا حقيقة او حكما والضحك والعمل الكثير بلا اصلاح

بسخن آدمیان مطلقا از روی حقیقت یا از روی حکم و خنده کردن و عمل کثیر بی اصلاح آوردن

وترك فرض من الفرائض بلا عذر ولو طرء فواته بدون

و ترک فرض کردن از فرض ها بی عذر و اگرچه عارض شود فوت او بی

اختياره وتعمد الحدث

اختیار مصلی و بقصد کردن مصلی حدث را

وصلى الله على خير خلقه محمد وآله واصحابه اجمعين

325 A79

ومن يتوكل على الله فهو حسبه

قدالطبعت هذه الرسالة المشتملة على مسائل
الدينية الموسومة

فى بلد التاشكند فى المطبع ايلين

Дозволено цензурою С.-Петербургъ. 20 Іюля
1901 года.

ТАШКЕНТЪ.
Типо-Литографія В. М. Ильина.
1901.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ وَالصَّلٰوةُ

حمد ثابت ست مر الله تعالی را که پروردندهٔ عالمیانست ونیکوئی آخرت مر پرهزکارانراست مزاد عاودرود

وَالسَّلَامُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ (اَعْلَمْ) اَنَّ الْعَبْدَ

نازل باد بر رسول اونام او محمد اند وبر جمیع آل او بدان که البته بنده آز موده

مُبْتَلًى بَيْنَ اَنْ يُطِيْعَ اللّٰهَ تَعَالٰى فَيُثَابَ وَبَيْنَ اَنْ يَعْصِيَهُ

شد ست درمیان اینکه اطاعت کند خدا را پس ثواب داده شودومیان اینکه عصیان کند

فَيُعَاقَبَ وَالْاِبْتِلَاءُ يَتَعَلَّقُ بِالْمَشْرُوْعِ وَغَيْرِ الْمَشْرُوْعِ فَعْلًا

خدا را بس عقاب کرده شود یعنی از مودن تعلق دارد بمشروع وبغیر مشروع ازروی کردن

وَتَرْكًا فَلَا بُدَّ مِنْ بَيَانِ اَنْوَاعِ الْمَشْرُوْعَاتِ وَغَيْرِ الْمَشْرُوْعَاتِ

وازروی ناکردن بس ناچارست زبیان کردن انواع مشروعات وغیر مشروعات

وَبَيَانِ مَعَانِيْهَا وَاَحْكَامِهَا لِيَسْهُلَ عَلَى الطَّالِبِ

وبیان معانی مشروعات وغیرمشروعات واحکام ایندو تاکه آسان شود بر طالب

دَرْكُهَا وَضَبْطُهَا فَنَقُولُ وَبِاللّٰهِ التَّوْفِيقُ الْمَشْرُوعُ اَرْبَعَةُ

دریافتن آن ویاد کردن آن بس میگوئم ماوحال آنکه بالله ست توفیق دادن مشروعات چهار

اَنْوَاعٍ فَرْضٌ وَوَاجِبٌ وَسُنَّةٌ وَمُسْتَحَبٌّ وَيَلِيهَا الْمُبَاحُ

نوع ست وفرض وواجب وسنت ومستحب ویلی میشود مشروعات را مباح

وَغَيْرُ الْمَشْرُوعِ نَوْعَانِ مُحَرَّمٌ وَمَكْرُوهٌ وَيَتْلُوهُمَا

وغیر المشروع دونوع ست حرام مکروه وتابع میشود بایند

الْمُفْسِدُ لِلْعَمَلِ الْمَشْرُوعِ فِيهِ فَالْكُلُّ ثَمَانِيَةُ اَنْوَاعٍ ✿

ومفسد مر عمل مشروع فیه بس همه مشروع وغیر مشروع هشت نوع ست

اَمَّا الْفَرْضُ فَمَا ثَبَتَ بِدَلِيلٍ قَطْعِيٍّ لَا شُبْهَةَ فِيهِ

امّا فرض بس آنچیزیکه ثابت شد ست بدلیل قطعی که نیست شبهه دران دلیل

وَحُكْمُهُ اَلثَّوَابُ بِالْفِعْلِ وَالْعِقَابُ بِالتَّرْكِ بِلَا عُذْرٍ

وحکم فرض ثواب ست بسبب کردن وعذاب ست بسبب ترک کردن بی عذر

وَالْكُفْرُ بِالْاِنْكَارِ فِي الْمُتَّفَقِ عَلَيْهِ ✿ وَالْوَاجِبُ مَا ثَبَتَ

وکفرست بسبب انکار کردن در فرض متفق علیه وواجب آنچیزیست که ثابت شد ست

بِدَلِيلٍ ظَنِّيٍّ فِيهِ شُبْهَةٌ وَحُكْمُهُ كَحُكْمِ الْفَرْضِ عَمَلًا

بدلیل ظنی که در همون دلیل شبهه ست وحکم واجب مثل حکم فرض ست از روی عمل

لَا اِعْتِقَادًا حَتّٰى لَا يَكْفُرُ جَاحِدُهُ وَالسُّنَّةُ مَا وَاظَبَ

نه ازروی اعتقاد تا آنکه کافر نمیشود منکر شونده واجب وسنت آنست که مداومت نمود

النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ تَرْكِهِ مَرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ وَحُكْمُهُ اَلثَّوَابُ

نبی علیه السلام با ترک آنچیزیک بار یا دوبار وحکم سنت ثواب ست

بِالْفِعْلِ وَالْعِقَابُ بِالتَّرْكِ فِي الْهُدٰى ✿ وَالْمُسْتَحَبُّ مَا فَعَلَهُ

بسبب کردن وعذاب ست بسبب ترک کردن درسنت مؤکده مستحب آنچیزیست که کرد اورا

النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّةً وَتَرَكَهُ اُخْرَى وَمَا اَحَبَّهُ السَّلَفُ

نبی علیه السلام یك بار و ترك كرد او را بار دیگر و آنچه دوست داشته ست او را سلف

وَحُكْمُهُ الثَّوَابُ بِالْفِعْلِ وَعَدَمُ الْعِقَابِ بِالتَّرْكِ وَالْمُبَاحُ مَا

وحكم او ثواب ست بسبب كردن وعدم عذاب ست بسبب ترك كردن مباح

يُخَيِّرُ الْعَبْدُ فِيهِ بَيْنَ الْاِتْيَانِ وَالتَّرْكِ وَحُكْمُهُ عَدَمُ

آنچیزیست كه مخیر كذاشته شد ست بنده میانهٔ آوردن و میانهٔ ترك كردن و حكم مباح عدم

الثَّوَابِ وَعَدَمُ الْعِقَابِ فِعْلًا وَتَرْكًا وَالْمُحَرَّمُ مَا ثَبَتَ النَّهْيُ

ثواب ست و عدم عذاب ست از روی كردن و از روی ترك كردن و محرم آنچیزیست كه ثابت شد ست نهی

فِيهِ بِلَا مُعَارِضٍ وَحُكْمُهُ الثَّوَابُ بِالتَّرْكِ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ

در وی بی معارض و حكم محرم ثواب ست بسبب ترك كردن برای خدای غالب و بزرك

وَالْعِقَابُ بِالْفِعْلِ وَالْكُفْرُ بِالْاِسْتِحْلَالِ فِي الْمُتَّفَقِ

و عذاب ست بسبب كردن و كفر ست بسبب جلال شمردن در حرام متفق

عَلَيْهِ وَالْمَكْرُوهُ مَا ثَبَتَ النَّهْيُ فِيهِ مَعَ الْمُعَارِضِ وَحُكْمُهُ

علیه و مكروه آنچیزیست كه ثابت شد ست نهی در او با معارض و حكم مكروه

الثَّوَابُ بِالتَّرْكِ الْمَوْصُوفِ وَخَوْفُ الْعِقَابِ بِالْفِعْلِ وَعَدَمُ

ثواب ست بسبب ناكردن كه صفت كرده شده و خوف عذاب ست بسبب كردن و عدم

الْكُفْرِ بِالْاِسْتِحْلَالِ ۞ وَالْمُفْسِدُ هُوَ النَّاقِضُ لِلْعَمَلِ الْمَشْرُوعِ

كفر ست بسبب حلال شمردن و مفسد عملی ست كه شكننده ست مر عملی كه شروع كرده شد

فِيهِ وَحُكْمُهُ الْعِقَابُ بِالْفِعْلِ عَمْدًا وَعَدَمُهُ سَهْوًا ۞ ثُمَّ

در آن حكم مفسد عذاب ست بسبب كردن از روی قصد و عدم عذاب ست از روی سهو بعد

اِعْلَمْ بِاَنَّ الصَّلٰوةَ جَامِعَةٌ لِلْاَرْبَعَةِ الْاُوَلِ شَرْعًا وَقَدْ

ازان بدان بدرستیكه نماز كردكننده ست مر چهار اول را از روی شرع وكاها

تُوجَدُ الْاَرْبَعَةُ الْاُخَرُ فِيهَا طَبْعًا فَلَابُدَّ مِنْ تَفْصِيلِ

یافته میشود چهار اخیررا در نماز ازروی طبع پس ناچارست از جدا کردن

كُلِّ نَوْعٍ وَتِعْدَادِهَا بِطَرِيقِ الْاِخْتِصَارِ وَالْاِنْحِصَارِ مُرَتَّبًا

هر نوع واز شمردن آنها براه قصر کردن وبند کردن در حالیکه مرتب

عَلَى ثَمَانِيَةِ اَبْوَابٍ تَيْسِيرًا لِلْمُؤْمِنِينَ (اَلْبَابُ الْاَوَّلُ

بر هشت باب از جهت آسان شدن مر مؤمنان باب اوّل

فِي الْفَرَايِضِ) وَهِيَ خَمْسَةَ عَشَرَ بَعْضُهَا خَارِجِيَّةٌ وَبَعْضُهَا

دربیان فرایض نمازست وآن فرضها پانزده است بعض آنفرض خارجی ست وبعض آن

دَاخِلِيَّةٌ اَمَّا الْخَارِجِيَّةُ فَثَمَانِيَةُ الْوَقْتِ وَطَهَارَةِ الْبَدَنِ

داخلی ست امّا فرض خارجی بس هشت ست یکی آنفرض وقت ست ویکی آن پاکی بدن

وَالثَّوْبِ وَالْمَكَانِ وَسَتْرِ الْعَوْرَةِ وَاسْتِقْبَالِ الْقِبْلَةِ وَالنِّيَّةِ

ویکی آن پاکی جامه ویکی آن پاکی مکان ویکی آن پوشیدن عورت ویکی آن استقبال قبله ویکی آن نیت

وَالتَّكْبِيرَةِ الْاُولَى وَالدَّاخِلِيَّةُ سَبْعَةُ الْقِيَامِ وَالْقِرَاءَةِ

ویکی آن تکبیر تحریمه وفرض داخلی هفت ست یکی آن قیام ست ویکی آن قرأت

وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَالْقَعْدَةِ الْاَخِيرَةِ وَالتَّرْتِيبِ فِيمَا

ویکی آن رکوع ویکی آن سجود ویکی آن قعدهٔ اخیر ویکی آن ترتیب درآنکه

اتَّحَدَتْ شَرْعِيَّتُهُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ اَوْ فِي جَمِيعِ الصَّلٰوةِ وَالْخُرُوجُ

متحدست شرعیت او در هر رکعت یا در تمام نماز ویکی آن بیرون

بِفِعْلِ الْمُصَلِّي (اَلْبَابُ الثَّانِي فِي الْوَاجِبَاتِ) وَهِيَ اَحَدٌ

آمدن بفعل نماز گذارنده باب دوم در بیان واجبات نماز ست وآن واجبات

وَعِشْرُونَ مِنْهَا مَا يَعُمُّ جَمِيعَ الْمُصَلِّينَ وَالصَّلٰوةِ وَهِيَ

بیست یك ست وبعض آن واجب عام میشود تمام نماز گذارنده را وتمام نماز را وآن واجبات

سَبْعَةٌ وَمِنْهَا مَا يَخْتَصُّ بَعْضَ الْمُصَلِّيْنَ وَالصَّلٰوةِ وَهِيَ

عام هفت ست و بعض آن واجب خاص میشود بعض نماز گذارنده را و بعض نماز را وآن واجبات

اَرْبَعَةَ عَشَرَ اَمَّا الْعَامُّ فَلَفْظُ التَّكْبِيْرِ لِلتَّحْرِيْمَةِ وَالْقَعْدَةُ

خاص چهار ده ست امّا واجبات عام بس لفظ تکبیر ست برای تحریمه وقعدهٔ

الْاُوْلٰى وَالتَّشَهُّدُ فِي الْقَعْدَتَيْنِ وَالطُّمَانِيْنَةُ فِي الرُّكُوْعِ

اولی وتشهد خواندن در دوقعده وآرام کرفتن در رکوع

وَالسُّجُوْدِ وَاِتْيَانُ كُلِّ فَرْضٍ فِي مَوْضِعِهٖ وَكُلِّ وَاجِبٍ كَذٰلِكَ

ودر سجود وآوردن هر فرض در جای خود وآوردن هر واجب مثل فرض

وَالْخُرُوْجُ بِلَفْظِ السَّلَامِ وَاَمَّا الْخَاصُّ فَتَعْيِيْنُ الْاُوْلَيَيْنِ

ویرون آمدن از نماز بلفظ سلام وامّا واجبات خاص بس تعیین کردن دو رکعت اول را

لِلْقِرَاءَةِ وَتَعْيِيْنُ الْفَاتِحَةِ لَهُمَا وَاقْتِصَارُهَا عَلٰى

برای قرأت وتعیین کردن سورهٔ فاتحه را برای دو رکعت اول وقصر کردن فاتحه بر

مَرَّةٍ وَضَمُّ سُوْرَةٍ اَوْ ثَلٰثِ اٰيَاتٍ قَصِيْرَةٍ اَوْ اٰيَةٍ طَوِيْلَةٍ

یك بار وضم کردن سوره یا ضم کردن سه آیت کوتاه یا یك آیت دراز

مَعَهَا وَتَقْدِيْمُ الْفَاتِحَةِ عَلَيْهَا وَهٰذِهٖ عَلٰى مَنْ عَلَيْهِ

با فاتحه وتقدیم کردن سورهٔ فاتحه را برسوره واین واجبات برآنکس کت که واجب ست

اَلْقِرَاءَةُ وَالْقُنُوْتُ فِي الْوِتْرِ وَالْجَهْرُ فِي مَوْضِعِهٖ جَمَاعَةً

برا وقرأت ودعاء قنوت خواندن در وتر بلند خواندن در جای بلند در جماعت

وَالْمُخَافَتَهُ كَذٰلِكَ وَاِنْصَاتُ الْمُقْتَدِي وَقْتَ قِرَاءَةِ الْاِمَامِ

وپست خواندن درجای پست درجماعت وخاموش بودن مقتدی در وقت قرأت امام

وَمُتَابَعَةُ الْاِمَامِ عَلٰى اَيِّ حَالٍ وَجَدَهُ وَاِنْ لَمْ يَكُنْ

وتابع بودن مقتدی امام را بر کدام حالیکه یابد امام را واکرچه بناشد

محسوبا

مَحْسُوبًا مِنْ صَلٰوته وَسَجْدَةُ التِّلَاوَةِ عَلَى الْاِمَامِ وَالْمُنْفَرِدِ

محسوبا از نماز او وسجدهٔ تلاوت کردن بر امام وبر منفرد

وَتَكْبِيرَاتُ الْعِيدَيْنِ وَتَكْبِيرُ رُكُوعِهِمَا وَسَجْدَةُ السَّهْوِ عَلَى

وتکبیرهای دو عید وتکبیر رکوع آند وعید وسجدهٔ سهو بر

الْاِمَامِ وَالْمُنْفَرِدِ بِتَرْكِ الْوَاجِبِ فِي الثَّمَانِيَةِ الْاُوَلِ مِنَ

امام وبر منفرد وبسبب ترک واجب در هشت واجبات اوّل از

الْقِسْمِ الْاَخِيرِ وَفِي جَمِيعِ الصُّوَرِ مِنَ الْقِسْمِ الْاَوَّلِ اِلَّا

قسم اخیر ودر جمیع صورتهای از قسم اوّل مکر

الطُّمَانِينَةَ فَاِنَّهَا وَاجِبَةٌ لِلْغَيْرِ (الْبَابُ الثَّالِثُ فِي السُّنَنِ)

در طمانیه بس طمانیه واجب ست باکمال غیر باب سوم در بیان سنتهای نماز ست

وَهِيَ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ الْعَامُّ سَبْعَةَ عَشَرَ وَهِيَ رَفْعُ

وآن سنتها بیست وهفت ست سنت عام هفده اند وآن بروانتن

الْيَدَيْنِ فِي التَّحْرِيمَةِ وَفِي الْقُنُوتِ وَفِي تَكْبِيرَاتِ

هر دو دست در تکبیر تحریمه ودر ودعاء قنوت ودر تکبیرهای

الْعِيدَيْنِ وَنَشْرُ الْاَصَابِعِ ثَمَّةَ وَالثَّنَاءُ وَوَضْعُ الْيَمِينِ

دوعید وپراکنده کردن انگشتان آنجا دربرداشتن وثنا خواندن نهادن دست راست

عَلَى الشِّمَالِ وَتَكْبِيرَاتُ الْاِنْتِقَالَاتِ حَتَّى الْقُنُوتِ

بر بالای دست چپ وتکبیرهای انتقالات تکبیر قنوت

وَتَسْبِيحُ الرُّكُوعِ ثَلَاثًا وَاَخْذُ الرُّكْبَتَيْنِ فِي الرُّكُوعِ وَتَفْرِيجُ

وتسبیح گفتن در رکوع سه بار وگرفتن دوز انو در رکوع وکشاده داشتن

الْاَصَابِعِ فِيهِ وَالْقَوْمَةُ وَالْجِلْسَةُ وَالسَّجْدَةُ عَلَى سَبْعَةِ اَعْضَاءٍ

انگشتان در رکوع وراست ایستادن ونشستن وسجده کردن بر هفت اعضا

وَتَسْبِيحُ السُّجُودِ ثَلَاثًا وَالصَّلوٰةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وتسبیح گفتن در سجود سه بار ودرود فرستادن برنبی صلی الله علیه

وَسَلَّمَ بَعْدَ التَّشَهُّدِ وَالدُّعَاءُ بَعْدَهُ لِنَفْسِهِ وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

وسلم بعدازتشهد خواندن ودعاخواندن بعدازدرود برای خود وبرای همهٔ مسلمانان

وَالسَّلَامُ يَمْنَةً وَيَسْرَةً وَالْخَاصُّ عَشْرَةٌ جَهْرُ الْإِمَامِ بِالتَّكْبِيرِ

وسلام دادن بجانب ازست بجانب چپ وسنت خاص ده ست جهرکردن امام تکبیر را

وَمُقَارَنَةُ الْمُقْتَدِي تَكْبِيرَهُ بِتَكْبِيرِ الْإِمَامِ وَمُتَابَعَتُهُ لَهُ فِي سَائِرِ

ونزدیك کردن مقتدی تکبیرش را به تکبیر امام وتابع بودن مقتدی مرامام در جمیع

أَفْعَالِهِ وَالتَّعَوُّذُ إِخْفَائُهُ وَالتَّسْمِيَةُ بَعْدَهُ وَإِخْفَائُهَا وَهٰذِهِ

افعالش واعوذ گفتن آهسته گفتن اعوذ وبسم الله گفتن بعداز اعوذ وآهسته گفتن بسم الله

الْأَرْبَعَةُ لِلْإِمَامِ وَالْمُنْفَرِدِ وَالتَّأْمِينُ سِرًّا لَهُمَا وَلِلْمُقْتَدِي

واین چهار سنت برای امام وبرای تنها گذار وآمین گفتن آهسته مرامام ومرمنفرد وبرای ومقتدی

فِي الْجَهْرِيَّةِ وَالتَّسْمِيعُ لِلْإِمَامِ وَلِلْمُقْتَدِي التَّحْمِيدُ

درنماز جهریه وسمع الله لمن حمده گفتن مرامام ومرمقتدی ربنالك الحمد گفتن

وَلِلْمُنْفَرِدِ الْجَمْعُ وَافْتِرَاشُ رِجْلِهِ الْيُسْرَى لِلْجُلُوسِ

ومرمنفرد جمع کردن هردو وگستردن پای چپ برای نشستن

عَلَيْهَا مَعَ نَصْبِ الْيُمْنَى فِي الْقَعْدَةِ لِلرِّجَالِ وَلِلنِّسَاءِ

برآن پای با ایستاده کردن پای راست در قعده مرمردان ومرزنان

التورك (الباب الرابع في المستحبات) وهي ثلثة وعشرون

بردنبه نشستن باب چهارم دربیان مستحبات نمازست وانمستحب بیست وسه ست

الْعَامُّ أَرْبَعَةَ عَشَرَ تَرْكُ الْإِلْتِفَاتِ يَمِينًا وَشِمَالًا كَمَا قِيلَ

مستحبات عام چهارده است ترك کردن نگاه ست بطرف راست وبطرف چپ چنانچه گفته شدست

وَتَغْطِيَةُ الْفَمِ عِنْدَ غَلَبَةِ التَّاوُبِ وَدَفْعُ السُّعَالِ مَا

وپوشانیدن دهن‌ست نزد غلبهٔ خمیازه وکردانیدن سرفه

اسْتَطَاعَ وَزِيَادَةُ الْقِرَآءَةِ عَلَى ثَلَاثِ اٰيَاتٍ وَتَرْتِيلُ الْقِرَآءَةِ

آنقدرکه‌قادرشود وزیاده کردن قرأت بر سه آیت وآرامیده‌خواندن قرأت

وَتَسْوِيَةُ الرَّاسِ مَعَ الظَّهْرِ فِي الرُّكُوعِ وَوَضْعُ رُكْبَتَيْهِ

وبرابر کردن سر با پشت در رکوع ونهادن دوزانو

قَبْلَ يَدَيْهِ عَلَى الْاَرْضِ وَيَدَيْهِ قَبْلَ الْاَنْفِ وَالْاَنْفِ قَبْلَ الْجَبْهَةِ

پیش از دودست بر زمین ودو دست پیش از بینی وبینی پیش از پیشانی

لِلسُّجُودِ وَعَلَى عَكْسِ ذٰلِكَ الرَّفْعُ لِلْقِيَامِ وَالسُّجُودُ

برای سجده وبر عکس اوست برداشتن برای ایستادن وسجده

بَيْنَ الْيَدَيْنِ وَتَوْجِيهُ اَصَابِعِ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ نَحْوَ الْقِبْلَةِ

کردن میانهٔ دودست ومتوجه کردن انکشتان دودست خود ودو پای خود بسوی قبله

وَتَرْكُ مَسْحِ التُّرَابِ وَالْعَرَقِ قَبْلَ السَّلَامِ وَالْفَصْلُ بَيْنَ

وترک مسح کردن خاك وخوی بیش از سلام وجداکردن میانهٔ

الْقَدَمَيْنِ قَدْرَ اَرْبَعَةِ اَصَابِعَ فِي الْقِيَامِ وَوَضْعُ يَدَيْهِ عَلَى

مقدم مقدر چهار انکشت در قیام ونهادن ودوست خود بر

فَخِذَيْهِ فِي الْقَعْدَةِ وَتَحْوِيلُ وَجْهِهِ يَمْنَةً وَيَسْرَةً عِنْدَ

دوران در قعده کردانید روی‌خودبسوی‌راست وبسوی چب نزد

السَّلَامِ وَالْخَاصُّ تِسْعَةُ رَفْعُ يَدَيْهِ فِيمَا سُنَّ هٰذَا

سلام دادن ومستحبات خاص نه ست براشتن دودست خود درجائیکه مسنونست بربر

شَحْمَتَيْهِ لِلرِّجَالِ وَهٰذَا الْمُنْكَبِ لِلنِّسَآءِ وَوَضْعُ الْيَدَيْنِ

دوبناگوش مردانرا برابر کتف مردانرا ونهادن دودست

تَحْتَ السُّرَّةِ لِلرِّجَالِ وَعَلَى الصَّدْرِ لِلنِّسَآءِ وَاِخْرَاجُ الْكَفَّيْنِ

در زیر ناف مردانرا وبر سینه زنانرا وبراوردن دوکف

مِنَ الْكُمَّيْنِ عِنْدَ التَّحْرِيمَةِ لِلرِّجَالِ وَالْقِرَآءَةِ عَلَى قَدْرِ

از دو آستین نزد تکبیر تحریمه مردان وقرأت کردن براندازهٔ که روایت

الْمَرْوِيِّ لِلْاِمَامِ وَزِيَادَةُ التَّسْبِيحَاتِ عَلَى الثَّلٰثِ وِتْرًا لِلْمُنْفَرِدِ

کرده سدست مرامام وزیاده کردن تسبیحات برسه درحالیکه باشد طاق مرتنها کذار

وَاِبْعَادُ الضَّجِعَيْنِ مِنَ الْبَطْنِ وَالْبَطْنِ مِنَ الْفَخِذِ وَالْفَخِذِ

ودور داشتن دوبازو ازشکم وشکم از ران وران

مِنَ السَّاقِ وَالسَّاقِ مِنَ الْاَرْضِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ

از پاچه وپاچه از زمین در رکوع دور سجود

لِلرِّجَالِ وَبِالْعَكْسِ لِلنِّسَآءِ وَقِرَآءَةُ الْفَاتِحَةِ بَعْدَ الْاُولَيَيْنِ

مردان وبعکس آن زنان وخواندن سورهٔ فاتحة بعداز دورکعت اول

لِلْمُفْتَرِضِ فِي الْمَشْهُورِ وَالتَّسْمِيَةُ قَبْلَ الْفَاتِحَةِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ

مر فرض کذار درروایت مشهوره وبسم الله کفتن پیش از سورهٔ فاتحه در هر رکعت

لِمَنْ سُنَّ وَانْتِظَارُ الْمَسْبُوقِ فَرَاغَ الْاِمَامِ (اَلْبَابُ الْخَامِسُ

مرکسی راکه مسنونست ومنتظربودن مسبوق تافارغ شدن امام ازنماز باب پنجم

فِي الْمُحَرَّمَاتِ) وَهِيَ اَرْبَعَةَ عَشَرَ عَلَى الْعُمُومِ الْجَهْرُ

در بیان محرمات نماز وآن چهارده ست بنا بر عموم بلند کفتن

بِالتَّسْمِيَةِ وَبِالتَّامِينِ وَالْاِلْتِفَاتُ يَمِينًا وَشِمَالًا

بسم الله وبلند کفتن آمین ونکریستن بطرف راست وبطرف چپ

بِتَحْوِيلِ بَعْضِ الْوَجْهِ وَالنَّظَرُ اِلَى السَّمَآءِ وَالْاِتِّكَآءُ

بکردانیدن بعض روی ونکاه کردن بسوی آسمان وتکیه کردن

عَلَى الْاُسْطَوَانَةِ اَوِالْيَدِ وَنَحْوِهِ بِلَا عُذْرٍ فِي الْفَرَائِضِ

بر ستون یابردست ومانند آن بی عذر در نمازهای فرض

وَرَفْعُ الْيَدَيْنِ فِي غَيْرِ مَا شُرِعَ وَرَفْعُ الْاَصَابِعِ فِي الرُّكُوعِ

وبر داشتن دودست درجائیکه مشروع نشد ست وبرداشتن انگشتها در رکوع

وَالسُّجُودِ عَنِ الْاَرْضِ وَالْجُلُوسِ عَلَى عَقِبَيْهِ لِلتَّشَهُّدِ وَالْعَبَثُ

ودر سجود از زمین ونشستن بردو پاشنه برای تشهد وبازی کردن

بِثَوْبِهِ اَوْبَدَنِهِ دُونَ الثَّلَاثِ وَالْاِشَارَةُ بِالسَّبَّابَةِ كَاَهْلِ الْحَدِيثِ

بجامهٔ خود یا ببدن خود کم از سه بار واشارت کردن بانگشت شهادت مانند اهل حدیث

وَقَصْرُ السَّلَامِ عَلَى جَانِبٍ وَالْقُنُوتُ فِي غَيْرِ الْوِتْرِ وَالزِّيَادَةُ

وکوتاه کردن سلام بر یك جانب وقنوت خواندن در غیر وتر وزیاده کردن

فِي التَّكْبِيرِ وَالثَّنَاءِ وَالتَّسْبِيحَاتِ وَالتَّشَهُّدِ عَلَى السُّنَّةِ وَتَرْكُ

در تکبیر ودر ثنا ودر تسبیحات ودر تشهد برقدریکه سنت ست وتراوکردن

الْوَاجِبِ مِمَّا سَبَقَ عَمْدًا وَفِي الْمُحِيطِ ذُكِرَتِ الْمُحَرَّمَاتُ فِي

واجبیکه از واجبات گذشته ازروی قصد ودر کتاب محیط ذکر کرده شد ست محرمات را در

الْمَكْرُوهَاتِ ﴿الْبَابُ السَّادِسُ فِي الْمَكْرُوهَاتِ﴾ وَهِيَ تِسْعَةٌ

فصل مکروهات باب ششم دربیان مکروهات نمازست وآن پنجاه

وَخَمْسُونَ اَلْعَامُ اِثْنَانِ وَاَرْبَعُونَ تَكْرَارُ التَّكْبِيرِ وَالْعَدُّ

ونه اند مکروهات عام چهل دواند تکرار کردن تکبیر ست وشمردن

بِالْيَدِ لِلْاَيِ وَنَحْوِهَا وَالتَّخَصُّرُ وَمَا هُوَ مِنْ اَخْلَاقِ

بدست مرآیت ها ومانند آیت ودست برتهیگاه ماندن وآن فعلیکه از فعلهای

الْجَبَابِرَةِ وَالتَّمَخْطُرُ بِلَا عُذْرٍ وَلَوْ بِغَيْرِ حَرْفٍ وَالتَّنَخُّمُ

تکبیران ست سرفیدن بی عذر واگرچه باشد بی حرف وبینی افشردن

وَالتَّنَفُّخُ غَيْرَ الْمَسْمُوعِ وَإِمْسَاكُ الدَّرَاهِمِ فِي الْفَمِّ

دومیدن که شنیده نشود ونگاه داشتن تکنه در دهن

وَنَحْوِهَا بِحَيْثُ لَا يَمْنَعُ الْقِرَاءَةَ وَإِعْلَاءُ الرَّأْسِ مِنَ الظَّهْرِ

ومانند آن بوجهیکه منع نکند قرأت را وبلند کردن سررا از پشت

فِي الرُّكُوعِ وَإِبْتِلَاعُ مَا بَيْنَ الْأَسْنَانِ لَوْكَانَ قَلِيلًا مِنَ

در رکوع وفرو بردن چیزیکه درمیان دندانهاست اگرچه باشد کمتر از

الْحُمَّصَةِ وَتَرْكُ سُنَّةٍ مِنَ السُّنَنِ وَإِتْمَامُ الْقِرَاءَةِ فِي

نخود وترك وکردن سنت از سنتها وتمام کردن قرأت را در

الرُّكُوعِ وَتَحْصِيلُ الْأَذْكَارِ فِي الْإِنْتِقَالَاتِ وَوَضْعُ يَدَيْهِ

رکوع وحاصل کردن ذکرها در انتقالات ونهادن دودست خود

قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ لِلسُّجُودِ بِلَا عُذْرٍ وَرَفْعُهُمَا

پیش ازدوزانوی خود بر زمین برای سجده بی عذر وبرداشتن دودست

بَعْدَ رُكْبَتَيْهِ لِلْقِيَامِ كَذَلِكَ وَالْإِقْعَاءُ وَتَغْطِيَةُ الْفَمِّ بِلَا

بعدازدوزانوی خود برای قیام اینچنین بست دنشستن مانندیك وپوشانیدن دهن بی

غَلَبَةِ التَّثَاؤُبِ وَغَمْضُ الْعَيْنَيْنِ وَقَلْبُ الْحَصَى إِلَّا أَنْ

غلبهٔ خمیازه وخوابانیدن دوچشم وگردانیدن سنك ریزه برای سجده مگرانیکه

لَا يُمْكِنَهُ السُّجُودُ فَأَتَى بِهِ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ وَمَسْحُ جَبْهَتِهِ

ممکن نباشد اورا سجده بس مر آید به تسویه یکبار یا دوبار وپاك کردن پیشانی خود

مِنَ التُّرَابِ وَالْعَرَقِ قَبْلَ الْفَرَاغِ وَكَفُّ الثَّوْبِ وَالتَّثَاؤُبِ

از خاك یا از خوی پیش از فارغ شدن ازنماز ونگهداشتن جامه وخمیازه

وَالتَّمَطِّي وَفَرْقَعَةُ الْأَصَابِعِ وَالْإِسْتِرَاحَةُ مِنْ رِجْلٍ إِلَى

یازیدن وبانك براوردن از انگشتها وراحت طلبیدن از یك پای بسوی‌های

رجل

رِجْلٍ وَتَفْرِيجُ الْاَصَابِعِ فِي غَيْرِ الرُّكُوعِ وَالتَّعْجِيلُ فِي

دیکر وکشاده داشتن انکشتان در غیر رکوع وشتاب کردن در

الْقِرَاءَةِ وَتَرْكُ تَسْوِيَةِ الرَّأْسِ مَعَ الظَّهْرِ رَاكِعًا

قرأت وبرابر نکردن سررا با پشت در حالیکه رکوع کننده

وَالتَّخَطِّي ثَلَاثًا فَصَاعِدًا بِلَا عُذْرٍ لَوْ وَقَفَ بَعْدَ كُلِّ

وقدم زدن سه باربس زیاده از سه بار بی عذر اگرچه ایستد بعداز هر

خُطْوَةٍ وَالتَّمَايُلُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَقَتْلُ الْقَمْلَةِ دُونَ الثَّلْثِ

قدم ومایل شدن بجانب راست وبجانب چپ وکشتن شپش کمتر از سه

وَدَفْنُهَا كَذٰلِكَ وَإِلْقَاءُ الْبُزَاقِ وَنَزْعُ الْقَمِيصِ وَالْقَلَنْسُوَةِ

وکور کردن شپش اینچنین ست وافکندن آب دهن وکشیدن کرته وکلاه

وَالْخُفِّ بِعَمَلٍ قَلِيلٍ وَشَمُّ الطِّيبِ وَالتَّرَوُّحُ بِالثَّوْبِ

وموزه باندك عمل وبوئیدن خوشبوی وباد کردن بجامه

وَنَحْوُهُ دُونَ الثَّلْثِ وَتَعْيِينُ السُّورَةِ لِصَلٰوةٍ مُعَيَّنَةٍ

ومانند جامه کمتر از سه وتعیین کردن سوره را برای نماز مخصوص

بِحَيْثُ لَا يَقْرَأُ غَيْرَهَا وَالْجَمْعُ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ بِتَرْكِ

بوجهیکه نخواند سوای آنسوره وجمع کردن میان دو سوره بترك کردن

سُورَةٍ وَاحِدَةٍ بَيْنَهُمَا فِي رَكْعَةٍ وَاحِدَةٍ وَالْاِنْتِقَالُ مِنْ آيَةٍ

سورهٔ واحده میان آند وسوره در رکعت واحده وگذشتن از آیت

اِلَى آيَةٍ اُخْرٰى لَوْكَانَ بَيْنَهُمَا سُورَةٌ وَتَقْدِيمُ السُّورَةِ الْمُتَاخِرَةِ

بسوی آیت دیکر اگرچه باشد میان آند وآیت سوره وتقدیم کردن سورهٔ متاخره

عَلَى الْمُتَقَدِّمَةِ وَلَوْ فِي الرَّكْعَتَيْنِ وَالتَّسْمِيَةُ فِي كُلِّ سُورَةٍ

بر سورهٔ متقدم واگرچه باشد در دو رکعت وبسم الله گفتن دراول هر سوره

فِی کُلِّ رَکْعَةٍ وَحَمْلُ الصَّبِیِّ بِلَا عُذْرٍ وَالْخَاصُّ سَبْعَةَ عَشَرَ

در هر رکعت وبرداشتن کودك بی عذر ومکروهات خاص هفده ست

اِنْتِظَارُ الْاِمَامِ لِمَنْ یَسْمَعُ خَفْقَ نَعْلَیْهِ لِلصَّلٰوةِ وَتَطْوِیلُ

منتظر شدن امام مرکسیکه میشنود آواز تعلین اوراکه مرآید برای نماز ودراز کردن

الرَّکْعَةِ الثَّانِیَةِ عَلَی الْاُولٰی فِی الْفَرَایِضِ وَالتَّوَقُّفُ فِی آیَةِ

رکعت ثانی را بر رکعت اول در نماز فرضها وایستادن در آیت

الرَّحْمَةِ اَوِالْعَذَابِ لِلْاِمَامِ وَالْمُقْتَدِی مُطْلَقًا وَلِلْمُنْفَرِدِ فِی

الرحمة یادرآیت عذاب مرامام ومرمقتدی خواه درفرض وخواه درنفل ومرمنفرد در

الْفَرَایِضِ وَالسَّجْدَةُ عَلٰی کَوْرِ الْعِمَامَةِ وَالْصَاقُ الْبَطْنِ

نماز فرضها وسجده کردن بر هیچ دستار وحسانیدن شکم

بِالْفَخْذِ لِلرِّجَالِ وَکَذٰلِکَ بَسْطُهُمُ الْعَضُدَیْنِ وَنَزْعُهُمْ

بران مرمردان وانچنین ست پهن کردن دو یازو وکشدین مردان

النَّعْلَیْنِ اَوِالْقَمِیصِ اَوِالْقَلَنْسُوَةِ اَوَلُبْسُهُمْ بِعَمَلٍ قَلِیلٍ

تعلین یاکرته را یا طاق را یا پوشیدنشان باندعمل

وَتَطْوِیلُ الْاِمَامِ الصَّلٰوةِ بِحَیْثُ یَثْقُلُ عَلَی الْقَوْمِ وَتَخْفِیفُهُ

دور از کردن امام نماز را بوجیکه گران آید بر قوم وسبك کردن

لَهَا لِعَجْلَتِهِمْ وَالْجَاءُ الْاِمَامِ الْقَوْمَ لِلْفَتْحِ اِذَا قَرَأَ مَایَجُوزُ

امام مرنماز برای شتاب کردن قوم وبناه آوردن امام قوم را برای کشان وقتی که خواند آنمقدار یرا که

بِهِ الصَّلٰوةُ وَجَهْرُ الْقِرَاءَةِ فِی نَوَافِلِ النَّهَارِ وَقِرَاءَةُ الْاِمَامِ

جایز باشد باو نماز وبلندکردن قرأت را در نفلهای روز خواندن امام

آیَةَ السَّجْدَةِ فِیمَا یُخَافَتُ اِلَّا فِی اٰخِرِ السُّورَةِ وَتَکْرَارُ

آیت سجده را در نمازیکه مخفی خوانده مرشود مکر در آخر سوره تکرار کردن

الْآيَةِ سُرُورًا اَوْحُزْنًا فِي الْفَرَايِضِ بِلَاعُذْرٍ لَا فِي النَّوَافِلِ

آیت را از روی شادی یا از روی غمگینی در نمازهای فرض بی عذر نه در نفلها

وَالسُّنَنِ مُطْلَقًا وَتَكْرَارُ السُّورَةِ فِي رَكْعَةٍ مِنَ الْفَرَايِضِ

ونه در سنتها مطلقا وتکرار کردن سوره در یك رکعت از نمازهای فرض

وَالصَّلٰوةُ رَافِعًا كُمَّيْهِ اِلَى الْمِرْفَقَيْنِ لِلرِّجَالِ وَقَوْلُ

ونماز گذاردن در حالیکه بردارنده دو آستین خود تادو باز ومردان وگفتن

الْمُقْتَدِي عِنْدَ آيَةِ التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيبِ صَدَقَ اللّٰهُ

مقتدی نزد آیت ترغیب وآیت ترهیب راست گفت الله تعالی

وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ وَالْاِعْتِمَادُ بِحَائِطٍ اَوْاُسْطُوَانَةٍ بِلَا عُذْرٍ

در سانیدن پیغمبران او وتکیه کردن بدیواریا بستون بی عذر

فِي غَيْرِ النَّوَافِلِ (اَلْبَابُ السَّابِعُ فِي الْمُبَاحِ) وَهِيَ اَحَدَ

در غیر نماز نفلها باب هفتم در بیان مباحات نماز وآن یازده ست

عَشَرَ الْعَامُّ ثَمَانِيَةٌ نَظَرُهُ بِمُوقِ عَيْنِهِ بِلَا تَحْوِيلِ وَجْهِهِ

مباحات عام هشت ست نگریستن مصلی بگوشهٔ دوچشم بی گردانیدن روی

وَتَسْوِيَةُ مَوْضِعِ السَّجْدَةِ مَرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ وَقَتْلُ الْحَيَّةِ

وبرابر کردن جای سجده را بکبار یا دو بار وکشتن مارخواه

الْمُطْلَقَةِ مُطْلَقًا وَاِنْ اِحْتَاجَ اِلَى الْمُعَالَجَةِ وَفِي فَمِهِ

سیاه وخواه سفید مطلقا واگرچه محتاج شود بسوی المعالجه ودر دهن

دَرَاهِمُ اَوْدَنَانِيرُ لَاتَمْنَعُهُ عَنْ سُنَّةِ الْقِرَاءَةِ وَفِي يَدِهِ مَا

درمها یا دینارها که منع نکند از سنت قرأت ودردست او چیزیکه

لَا يَمْنَعُ عَنْ سُنَّةِ الْاِعْتِمَادِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ عَلَى التَّأْلِيفِ

منع نمی کند از سنت اعتماد وخواندن قرآن بر ترکیب

وَنَقْصُ الثَّوْبِ كَيْلَا يَلْتَصِقَ بِجَسَدِهِ فِي الرُّكُوعِ وَقِرَاءَةُ

وافشاندن جامه تاكه نچسد آن جامه بتن او در ركوع وخواندن

آخِرِ السُّورَةِ فِي رَكْعَةٍ وَآخِرِ اُخْرَى فِي اُخْرَى عَلَى

آخر سوره دريك ركعت وآخر سورهٔ ديكر را دريك ركعت ديكر بر قول

الصَّحِيحِ وَالْخَاصُّ ثَلَثَةٌ تَكْرَارُ السُّورَةِ فِي رَكْعَةٍ فِي

صحيح مباح خاص سه است تكرار خواندن سوره دريك ركعت در

التَّطَوُّعِ وَمُعْتَمِدًا حَايِطًا اَوْاُسْطُوَانَةً فِي التَّطَوُّعِ وَلَوْ

نفل واينكه باشد تكيه كننده ديوار را ياستون را در نفل واگرچه

بِلَا عُذْرٍ وَلَحْظُ الْاِمَامِ اِلَى مَنْ خَلْفَهُ شَاكًّا لِيَقُومَ اِنْ

باشد بي عذر ونكريستن امام بسوى كسكه درس امام ست درحال بودن امام شك كنند تا كه خيزد

قَامَ هُوَ وَنَحْوُهُ (اَلْبَابُ الثَّامِنُ فِي الْمُفْسِدَاتِ) وَهِيَ فِي

امام اگر خيزد آن كس ومانند او باب هشتم در بيان تباه كنندهٔ نماز ست وآن در

التَّحْقِيقِ خَمْسَةٌ عَلَى الْعُمُومِ التَّكَلُّمُ بِكَلَامِ النَّاسِ مُطْلَقًا

حقيقت پنجست بنا بر عموم سخن گفتن بسخن آدميان مطلقا ازروى

حَقِيقَةً اَوْحُكْمًا وَالضِّحْكُ وَالْعَمَلُ الْكَثِيرُ بِلَا اَصْلَاحٍ

حقيقت يا از روى حكم وخنده كردن وعمل بسيار بي اصلاح آوردن

وَتَرْكُ فَرْضٍ مِنَ الْفَرَايِضِ بِلَا عُذْرٍ وَلَوْ طَرَءَ فَوَاتُهُ

وترك فرض كردن از فرضها بي عذر اگرچه عارض شود فوت

بِدُونِ اِخْتِيَارِهِ وَتَعَمُّدُ الْحَدَثِ ✡

او بي اختيار مصلي وبقصد كردن مصلي حدث را

تمت تمام